

چهارمحال و بختیاری

در انتظار

قدمهای اساسی انقلاب



مقدمه :

این دنیای تازه کشف شده !! را در نور دیده و با دستان مهربانشان "نوتیای" روشنی چشمان محصوم کودکانی می‌نویسد که دسته دسته در کام مرگ تدریجی !! تارک می‌شوند .

حال که فصل حاکمیت غاصبان خاک خدا را در دهی است بسرآمده باید بی دریغ وهمه حاسبه و با تمام امکانات بذراهمیسد را در دل امضا نقاطین خاک افشانند که آفتاب بهار چشمش منتظر سگفتن نهاله‌هاست .

گزارشی که در ذیل می‌آید ماحصل سفر کوتاه دوتن از برادران به استان چهارمحال و بختیاری است . دیاری که چشمان منتظر مردان و زنان محرومش سانبان درازی است که در طلب دستان نواز شکر انجات بخشم ادیبان کوههای فلک کشیده و سایه به انتظار بنسبه است . چه امیدبخش است وقتی می‌بینی قدم‌های استوار مردان "جهانگیر" آحماری سترگ و بلند

بختیاری

منطقه بختیاری در غرب و جنوب غربی استان قرار گرفته . زمینهای این بخش تماماً کوهستانی و سبب العبور برده و تنها وسیله نقلیه‌ای که می‌تواند براحتی به تمام نقاط سفر کند قاطر است . منبع اصلی درآمد مردم این منطقه دامپروری بوده و اکثراً کوچ نشین می‌باشند . مشکل اصلی این منطقه که تمام مسائل دیگر را در بر می‌گیرد ، مسئله راه است . که با حل آن بسیاری از مشکلات دیگر نظیر فرهنگ بهداشت و مسائل عمرانی برطرف می‌شوند . برای اینکه با مسائل این منطقه بیشتر آشنا شویم به تعریف عشایر که ساکنین اصلی این قسمت می‌باشند می‌پردازیم .

در تعریف عشایر سلجوق کشورمان باید گفت که عشایر گروهی از مردمان کنسورند که دارای ویژگیهای خاص اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی بوده و اساس معیشت آنان بر پایه دامداری سنتی استوار گشته و به جهت فقر و مندی از طبیعت و هماهنگی با آن در فاصله پیدلز (صنعه سرسبز) و قذلاق (منطقه کوهستانی) کنین می‌باشند .

حوزه مناسقی عشایری از مرز کوهها ، میان دره ه

زاکه جمعیت نیز در این منطقه مشهود می‌باشد . مردم این قسمت اکثراً روستائین بوده و منبع درآمدشان کشاورزی است . بحمدالله با آگاهی مردم به امر نیاز کشور به تولیدات کشاورزی میزان زمینهای زیر کشت هر ساله بیشتر می‌گردد ، که البته این امر مشکلاتی را در جدجایی دامهای عشایر بوجود آورد ، که به همت مردم و مسئولین این مشکلات را اتخاذ سیاستهای صحیح قابل حل است .

ملاحظه کردیم که ذکر شد بدلیل هموار بودن منطقه و دیدگاه بودن آن به استان اصفهان و راههای عبوری از این قسمت فقر فرهنگی تا حدودی کمتر است . آگاهی مردم از این نظر بیشتر می‌باشد . البته در این منطقه مشکلات زیادی از لحاظ مسائل مختلف فاضلی وجود دارد . بطوریکه حتی بهترین روستاهای این منطقه تا بهنگر روستاهای ایران قابل مقایسه است . که به عقاید به نام مسائل جو احمی برداشت

بسم الله الرحمن الرحیم

چهارمحال و بختیاری یکی از استانهای غربی است که در مرکز استان که از شمال تا استان اصفهان و در جنوب و غرب آن استانهای بوشهر ، خوزستان هم مرز بوده و جنوب آن در بخش چهارمحال و بختیاری تشکیل شده است .

چهارمحال

این بخش از چهار محاله جوانه می‌دهد که در گذشته تشکیک شده که در نظر فرهنگ و آداب و رسوم تا حدودی با هم تفاوت داشته و همی تشکیک نام چهارمحال خوانده می‌شود و در قسمت شمالی آن شمال شرقی استان واقع شده است . مرکز این یعنی شهر فردوس (صنعه) جوانه می‌دهد که در گذشته کوهستانی بود و در این استاناً مرکز استان در چنین لقب گرفته است . بسیاری از راههای این منطقه هموار و بومی کشاورزی در این منطقه به چشم می‌خورد .

مناطق صعب‌العبور و دشت های خشک بی آب و علف قرار گرفته و آنجا که ظاهراً از زندگی اثری نیست در مساحت‌های وسیع و گسترده گهگاه با چندین سیاه چادر برخورد می کنیم که نشان از زندگی عشایری می دهد.

لوازم زندگی خانوارهای کوچ نشین بسیار اندک و ابتدایی است، آداب و رسوم کوچ نشینی باعث شده تا فرهنگ غریبی و شهرنشینی کمتر در عشایر رسوخ کند، و اینرا در عدم مهاجرت این افراد به کویت که یکی از مسائل عمده منطقه چهارمحال است می بینیم، باز بچه بچه های آنان بره های تازه متولد شده است و گردشگاهشان اعماق کوهستانهای سر به فلک کشیده زاگرس، و اینها همه عواملی هستند برای تکوین روحیه غیرت و سلحشوری در عشایر و زنده ماندن فطرت آنها.

سیاست رژیم گذشته در قبال عشایر به همین دلیل در زمان شاه برای محدود کردن و تحت کنترل درآوردن این دسته از مردمان غیور کشور طرحهایی برای اسکان دادن آنها پیاده شد، تا از این راه هم جلوی روحیه آزادگی آنان را بگیرند وهم به مسئله مهاجرت دامن بزنند. آنها حتی از نام عشایر هم وحشت داشتند و به همین دلیل نام آنها را به «دامداران متحرک» تغییر دادند.

اما سیاست دولت جمهوری اسلامی بر این است که با بها دادن به آداب و سنن ارزنده و غیرخرافی عشایر در بدست آوردن هویت اصیل فرهنگی و اسلامی اقشار مختلف کشور از جمله عشایر آنها را یاری نماید و برای اینکار باید سیاستهایی اتخاذ شود که نه تنها از اسکان عشایر جلوگیری کنند بلکه تسهیلات بیشتری در جهت کوچ آنان فراهم شود.

جهاد سازندگی نیز در تحقق همین سیاست است که این مسأله را در برنامه ریزی های خود گنجانده، و برای این منظور اولاً با تأسیس راههای درجه ۱ روستایی در مسیر کوچ، راههای عبوری آنها را به مقدار زیادی نزدیک تر نموده و جلوی مرگ و میر دامها را (که قبلاً در مسیرها یا به رودخانه می افتادند و یا در دره ها سقوط می کردند) با ایجاد پل‌های متعدد بر رودخانه ها و مسیر سیلابها در جاده ها گرفته است.

و باز در همین جهت است که جهاد سازندگی اقدام به تشکیل اکیپهای پزشکی، دندانپزشکی و دامپزشکی بصورت ثابت و سیار در مسیر کوچ عشایر نموده تا بدین طریق از بیماری و مرگ افراد

کاسته شود و ثانیاً از تلفات و مرگ و میر هام نیز بکاهد.

اهمیت دادن به طرحهای خدماتی برای عشایر امری است که اولاً از مهاجرت بی رویه به شهرها جلوگیری می کند و ثانیاً بر میزان تولید دامهای داخلی می افزاید، با این وجود، اجرای اینگونه طرحها تابعال به عهده ادارات دولتی گزارده شده است. لیکن این نهادها قادر به تأمین تمام نیازهای عشایر نیستند مثلاً برخی امکانات مانند علوفه به موقع دردسترسی دامها قرار نگرفته و موجب تلف شدن بسیاری از دامها در دو سال گذشته شده است.

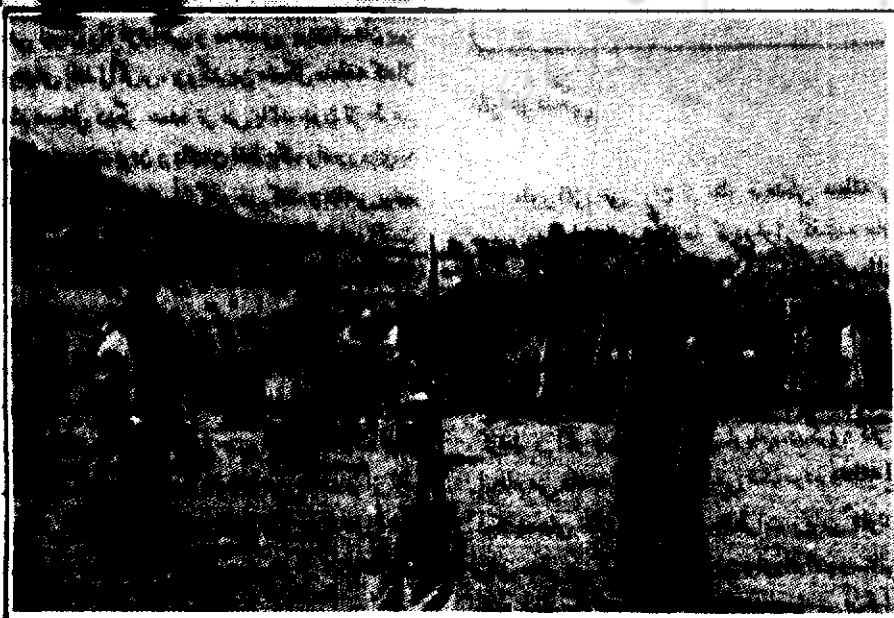
فقر و محرومیت عاملی کشنده و عمومی

پدیده فقر و محرومیت و عدم وجود موادغذایی و نهایتاً دچار شدن کودکان به عوارض گوناگون مهلک چیزی نیست که بتوان آن را در قالب گزارش توصیف کرد. مگر می شود گرسنگی بچه هایی را که از کمبود مواد غذایی می میرند روی کاغذ آورد. مگر می شود با قلم به هزاران نفری که در اثر مصرف آب غیر بهداشتی بینایی خود را از دست داده اند دوباره روشنایی داد، و اینجا حرف بکار نمی آید. اینجا باید عمل کرد.

از منطقه می گفتیم، منطقه ای که در حصار و بن بست کوههای مرتفع واقع شده از «بارز» که حتی قبل از سال ۶۰ به وجود آن پی نبرده بودند، و تنها راه رسیدن به آن عبور از ارتفاعات ۱۷۰۰ متری چهارطاق است، کوهی مرتفع باشانه های پهن که با همه عظمتش در برابر بزرگی موجودی دیگر خوار ورق بزنید

*** اکثر روستاها فاقد آب بهداشتی بوده و از آبهای آلوده که اکثراً از عوامل مالاریا نیز بشمار می روند استفاده می کنند به عنوان مثال در «بارز» به علت استفاده از این آبها، باعث کوری تدریجی در شخص می شود.**

*** در رژیم گذشته برای محدود کردن و تحت کنترل درآوردن عشایر طرح هایی برای اسکان دادن آنها پیاده شد تا از این راه سد روحیه آزادگی آنان شوند، آنها حتی از نام عشایر وحشت داشتند و به همین دلیل آنها را به «دامداران متحرک» تغییر دادند.**





وزبون گردیده و آن اساس است که سر به سجده تنکوه و عزت پروردگار خوش نهاده و هرگونه عظمتی در برابر بزرگی خالق برایش کوچک می نماید. و برآستی که چه نیرویی جز ایمان و نظارت پروردگار برادران جهاد را وادار می کند که برای خدمت به مردم محروم در این راههای پرخطر حرکت آغاز کنند، باشد که دردی از دردمندی، درمان سود آری از «بارز» می گویند از «دنیای جدیدی» که بعد از استقرار در ارتفاعات ۱۷۰۰ متری پیش چشمات جلوه گر می شود. دنیایی تازه که در سال ۶۰ کشف شد و در آن انسانهایی خاموشی و بی صدا باچهره هایی سوخته و درخانه هایی محقر و تاریک گاه از بیماری و نبودن پزشک و گاه حتی از گرسنگی می میرند. و نه آبی برای غسل و نه گورستانی برای دفن. و آن پائین تر در میان روستای «قلعه مدرسه» نگاه مظلوم انسانهای خاموش تری به دنبال اکیپ پزشکی جهاد می گردد. و شاید برای رسیدن به آنجا چند روزی هم پیاده روی کرده باشند. و اکیپ جهاد مرجعی است برای دردهایشان برای نداشتن راه، نداشتن آب و نداشتن...

مشکلات جغرافیایی منطقه

همانطور که گفتیم کل استان منطقه ایست کوهستانی بخصوص در قسمت بختیاری و این باعث شده که چهارمحال به صورت بن بست در آید که فقط یک راه به اصفهان دارد و بس. به همین دلیل یعنی نبودن راه ارتباطی و محصور بودن استان بین کوههای بلند زاگرس، بزرگترین مشکل منطقه که از تمام مسائل دیگر عمده تر می باشد چون از طرفی بدلیل بن بست بودن و داشتن فقط یک راه ورودی به منطقه کمتر کسی از آن گذر می کند. و ما می بینیم استانی مانند اصفهان که با چهارمحال هم مرزاست از نظر مسائل فرهنگی و اقتصادی در سطح بالاتری قرار گرفته و از طرف دیگر عدم راههای ارتباطی در داخل استان باعث شده تا امکانات در داخل خوداستان نیز بخوبی بخش نشود بطوریکه اکثر مناطق (قسمت بختیاری) حتی فاقد امکانات اولیه نسبت به قسمتهای دیگر استان می باشد. و از نظر فرهنگی نیز به همین دلیل مبلغ ها و افراد حوزه های علمیه به منطقه راه نیافته و مردم از این نظر نیز دچار فقر و کمبود می باشند.

* منطقه «بارز» حتی قبل

از سال ۶۰ شناخته نشده بود دنیایی در ارتفاعات ۱۷۰۰ متری پیش چشمات نمایان می شود، که در آن انسانهای خاموش و بی صدا با چهره های سوخته گاه از بیماری و گاه از گرسنگی تلف می شوند.

فقر فرهنگی

بطور کلی می توان از نظر فرهنگی منطقه را در سه مقطع زمانی مطالعه کرد. اول گذشته های خیلی دور، که در آن خوانین حاکمیت مطلق داشته اند. بطوریکه خود را صاحب جان و مال و ناموس مردم می دانستند بطور مثال وقتی زمین خود را می فروختند حتی رعیتها را هم با آن مبادله می کردند و اگر زیردستی برای ارباب دیگری کاری انجام می داد به شدت تنبیه می شد. مردم منطقه از شکنجه های خان. در آن زمان خاطرات زیادی دارند. برای مثال می گویند گودالهایی برای افراد روستایی کنده شده بود که شخص را بطور وارونه در آن قرار

داده و گچ می گرفتند. حتی هنوز هم هنگام شخم استخوانهای بعضی از این افراد در زمینها یافت میشود.

دوم دوران پهلوی است که در آن رضا خان در سرکوب قیامهای مردم از نیرو های خوانین استفاده میکرد. در زمان محمد رضا نیز چون هدف دولت نبودن کردن کشاورزی بود کلیه طرحها در این جهت برنامه ریزی می شد بطوریکه بعد از انقلاب به اصطلاح سفید شاه مسئله ای در منطقه رواج یافت تحت عنوان مهاجرت به کویت که بطور جداگانه به آن می پردازیم.

سومین مقطعی که میتواند از نظر فرهنگی مورد بحث قرار گیرد بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ و سقوط شاه است. در این مقطع است برای اشاعه فرهنگ انقلاب به منطقه دو مشکل اساسی وجود داشت:

اولین مسئله وجود خانها، فنودالها و حاکمیت آنها بر مردم. منطقه بود که به شدت جلوی کار فرهنگی را در این استان می گرفت و مسئله دوه قبول این حاکمیت از طرف مردم بود که باز مشکل بزرگی به شمار می رفت که بدیهی است این عارضه به دلیل فشار پیش از حدی که قبلا خوانین بر آنها تحمیل کرده اند می باشد مسئله اول با ورود نیروهای سپاه و با سرکوب و به سکوت واداشتن خانها حل شد که این خود یکی از دست آوردهای بزرگ انقلاب به شمار می رفت برای برطرف کردن مشکل دوم و جذب مردم و بیرون بردن روحیه ضعف در آنها

جهاد تصمیم گرفت با ایجاد امکانات رفاهی نظیر راه، کارهای عمرانی برق رسانی و آب رسانی زمینه را برای پذیرفتن فرهنگ انقلاب اسلامی در مردم منطقه فراهم آورد و برای این منظور برادران جهاد با کمترین امکانات شروع به کار کردند.

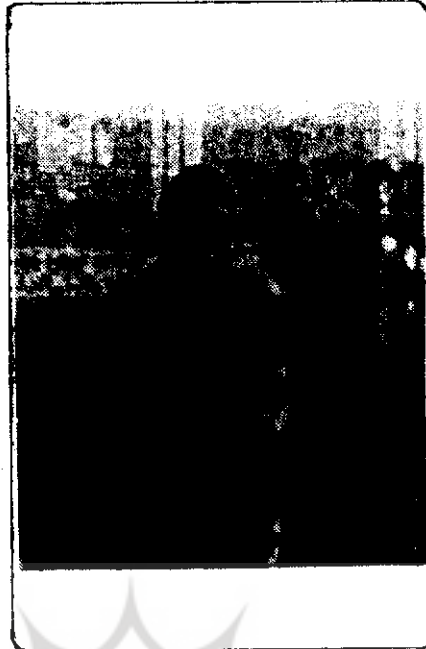
فقر اقتصادی

مردم منطقه از لحاظ منبع درآمد به دو دسته تقسیم می‌شوند یکی افرادی که در قسمت چهار محال ساکنند و به دلیل نسبتاً هموار بودن زمین این قسمت به کار کشاورزی مشغولند و دیگر کوچ نشینان و عشایر بختیاری که منبع درآمدشان دامپروری است.

از نظر امکانات رفاهی اهالی قسمت چهارمحال بدلیل هموار بودن منطقه و همچنین ساکن بودن شان در وضع بهتری از منطقه بختیاری قرار دادند. ولی به علت تراکم بیشتر جمعیت در این قسمت و کمبود زمین حاصلخیز و همچنین مشکلاتی که در زمینه تامین آب وجود دارد اهالی این قسمت نیز دچار مشکلات اقتصادی زیادی هستند. بطوریکه از سال ۱۳۴۲ و بعد از اصلاحات امریکایی شاه مسئله‌ای در منطقه آغاز شد تحت عنوان هجرت به کویت برای تامین معاش و بدین ترتیب نیروهای جوان و فعال در منطقه عازم کویت شدند و کم‌کم کانالهایی هم برای سایر افراد باز شد و بدین طریق کار بالا گرفت تا جاییکه سفر به کویت رویای جوانان منطقه شد بخصوص با وضعی که این افراد پس از بازگشت پیدا می‌کردند به این مسئله دامن زده می‌شد تا جایی که بعضی این افراد اکنون از تجار بزرگ کویت به شمار می‌روند.

از سال گذشته نیز با دادن اجازه ورود کالا توسط این افراد و همچنین دادن مجوز خروج برای بی‌کاران، اکثر جوانان، متقاضی رفتن به کویت شده‌اند.

نکته جالب توجه اینجاست که این مهاجرت در منطقه بختیاری و بین عشایر ما (با وجود مشکلات بیشتر اقتصادی) دیده نمی‌شود و دلیل آن نیز همان روحیه سلحشوری و آزادی در بین عشایر میباشد که باعث میشود آنها با وجود تحمل مشکلات بسیار فقر زیر بار چنین مسائلی نروند و برآستی که عشایر ذخایر انقلابند.



فعالیت‌های جهاد

بعد از پیروزی انقلاب و فرمان امام مبنی بر اعلام جهاد سازندگی جوانان دانشجو به این منطقه آمده و شروع به فعالیت در زمینه‌های مختلف کردند بطوریکه از آنزمان تاکنون یعنی طی سه سال و اندکی بیشتر از تمام کارهایی که رژیم شاه طی ۳۵ سال حکومت در منطقه انجام داده بود، برای مردم کار کردند.

عمده‌ترین مسئله‌ای که در منطقه وجود داشت و

جهاد نیز آنرا بخوبی احساس می‌کرد مشکل عدم وجود راه در منطقه بود، که خود از عوامل مهم به شمار می‌آمد. به همین دلیل برادران پرتلاش و سخت کوش جهادگر بیشترین نیروی خود را با کمترین امکاناتی که در اختیار داشتند روی این مسئله قرار دادند. بطوریکه تا بحال بیش از ۵۰۰ کیلومتر راه روستایی درجه ۱ در منطقه احداث شده که بعضی از آنها مانند جاده «بازفت» گذشته ازاهمیتی که برای عشایر دارد، از نظر فنی قابل رقابت با بهترین جاده‌های بین المللی است و در صورت ادامه می‌تواند یک جاده ارتباطی بین کردستان و خوزستان باشد که در این صورت از اصفهان تا مسجد سلیمان فقط ۷ ساعت راه است و این باعث استقبال مسافران عبوری ازجاده شده و منجر به پیشرفت منطقه از لحاظ مسائل گوناگون خواهد شد. در پی احداث این راهها حدود ۲۰۰ پل بزرگ از ۵ متر تا ۳۹ متر بر روی رودخانه‌های متعدد مسیر زده شده که این پلها اهمیت زیادی در عبور دامهای کوچ نشینان از منطقه داشته و از مرگ و میر بسیاری از آنها کاسته است.

کمیته‌های دیگر جهاد نیز همگام با جلورفتن این راهها و در بسیاری موارد قبل از کشیدن راهها فعالیت عمرانی و پزشکی خود را آغاز نمودند. مخصوصاً در نقاطی که هنوز راه ساخته نشده بود بردن تجهیزات کار مشکلی است و در بعضی موارد برادران جهادگر کیسه‌های سیمان را برای ساختن پلها



حمام یا مدرسه روی دوش خود به منطقه مورد نظر می‌برند.

ابتدا بیشتر فعالینها مربوط به قسمت چهار محال می‌شد بطوریکه تمام روستاهای این منطقه توسط جهاد دارای برق شدند و به طبع با کار گذاشتن موتور پمپهای برقی تمام این روستاها نیز دارای آب لوله کشی شدند ولی از سال گذشته طرح و برنامه ریزی کارها بیشتر معطوف به بخش بختیاری شد زیرا این منطقه اکثراً سنگی و صعب العبور بوده و احتیاج بیشتری به راه و دیگر امکانات رفاهی داشت. و این مسئله بدانجا کشید که اکنون دیگر جهاد مستقیماً در قسمت چهار محال کاری انجام نمی‌دهد ولی این نه بدان معنی است که کار در آن قسمتها خوابیده باشد بلکه جهاد با تشکیل شوراهای اسلامی در تمام روستاهای این منطقه به شوراها اعلام کرده که در صورت توانایی انجام طرحهای مختلف ساختمانی حاضر است تا ۲۰۰ هزار تومان در اختیار این شوراها قرار دهد تا این طرحها را به اتمام برسانند و از این برنامه استقبال خوبی هم شده و اکنون تمام امکانات جهاد در مناطق عشایری و محروم استان به فعالیت مشغولند. یکی از مسائل عمده منطقه بختیاری نبودن آب آشامیدنی سالم برای روستاهاست و اکثر بیماری های منطقه نیز بواسطه استفاده از آب غیر بهداشتی می‌باشد. برادران کمیته عمران در آبرسانی به این روستاها نقش مهمی داشته اند تا جائیکه برادران پرتلاش جهاد ۴ موتور پمپ را روی دوش خود از ارتفاعات ۱۷۰۰ متری چهار طاق بالا برده و در چهار روستای منطقه «بارز» که فاقد آب بهداشتی بود نصب کردند و این چنین است که در این عصر از زندگی بشر اولین حکومت الهی بعد از نور نبوت در دستهای پرتوان جهادگران و سربازان امام زمان (عج) شکل می‌گیرد و رحمت خداوند بر زمین جاری شده، از کوهساران خاموش هزاران چشمه بر جوش به خانه محرومین راه می‌یابد. و در ادامه همین راه است که برادران جهاد موفق شده‌اند در بیش از ۲۰۰ روستا طرحهای مختلف آبرسانی را پیاده کنند.

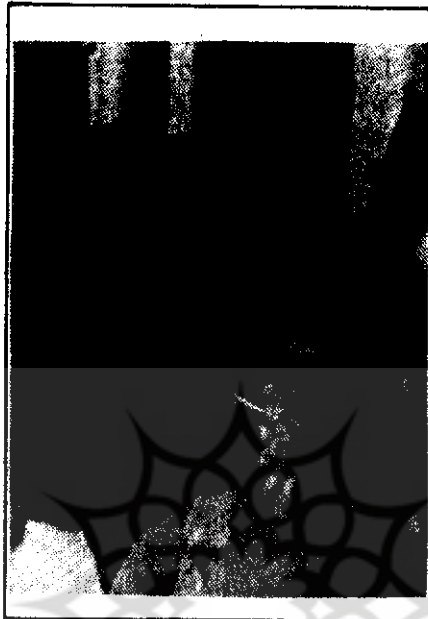
همچنین واحد برق نیز تابحال موفق شده بیش از ۱۰۰ روستا را به شبکه برق متصل کرده و همچنین در جهت قطع وابستگی و رسیدن به خودکفایی این واحد اقدام به تشکیل کارگاه تولید تیربتونی نموده است، که تا بحال بیش از ۴۰۰۰ تیرهای مختلف بتونی توسط این کارگاه ساخته شده

است.

کمیته کشاورزی نیز فعالیتهایی در جهت اصلاح کشاورزی در منطقه، توزیع بذر و کود و سم و بطور کل همکاریهایی در کاشت، داشت و برداشت به کشاورزان نموده است، که آمارهای آن قابل توجه می‌باشد.

کمیته بهداشت و درمان

یکی از مشکلات عمده منطقه عدم رعایت



مسائل بهداشتی است که بالنتیج بروز بیماریهای مختلفی را بدنبال دارد، به همین دلیل یکی از اهداف واحد بهداشت جهاد آموزش روستائیان در جهت پیشگیری بیماریهای مختلف است. تا با استفاده مسیح از امکاناتی نظیر آب لوله کشی، حمام و توالت که توسط برادران کمیته عمران تأسیس می‌شوند، امکان بروز بیماریها به حداقل برسد.

در اینجا نیز عمده ترین مشکل نا آگاهی و فقر فرهنگی مردم می‌باشد، به عنوان مثال در یک ده کسی مسئولیت حمامی را که جهاد برایشان ساخته به عهده نمی‌گیرد و معتقدند چنین شغلی برای انسان شوم است، و آنگاه حمامی را که برادران جهاد با هزار مشقت ساخته اند جایگاهی می‌شود برای گوسفندان اهالی.

و یا در جای دیگر مردم چون طرز استفاده از حمام را نمی‌دانستند با لباس دوش می‌گرفتند، و حتی بعد از اینکه برادران جهاد برای آنها توضیح می‌دهند، در جواب می‌گویند که ما شرمان می‌آید

لباسمان را درآوریم، می‌بینیم که آموزش استفاده از امکانات حتی مشکل تر از ساختن آن می‌شود از کارهای دیگر واحد بهداشت و درمان در جهت پیشگیری واکسیناسیون می‌باشد که در این رابطه نیز تا بحال ۷۱۴۴۸۸ نفر در روستاهای منطقه واکسینه شده‌اند، قسمت دوم کارهای این کمیته مسائل درمانی می‌باشد.

اکثر بیماریهای منطقه از نوع امراض پوستی و یا گوارشی است، که متشابه آنها را می‌توان بدودسته تقسیم کرد یکی کمبود مواد غذایی و دیگر غیر بهداشتی بودن آب.

عدم تغذیه مناسب و نداشتن یک رژیم غذایی صحیح از نظر مواد پروتئینی و ویتامینهای مختلف باعث بیماریهای پوستی و گوارشی متنوعی می‌شود.

از طرف دیگر با وجود رودخانه‌های زیادی که در منطقه جاری است متأسفانه اکثر روستاها فاقد آب بهداشتی بوده و از آبهای آلوده که اکثراً از عوامل مالاریا نیز بشمار می‌روند استفاده می‌کنند. به عنوان مثال در منطقه «بارز» استفاده از این آبها باعث کوری تدریجی در شخص می‌شود.

مسئله دیگری که در منطقه مطرح است عقب رتدگی و مارگزیدگی است که روزانه تعداد زیادی از مردم به دلیل نبودن سرمهای لازم و عدم دسترسی به پزشک از این راه تلف می‌شوند. کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی به دلیل دوری مسافت مناطق محروم و نامناسب بودن راهها اقدام به تأسیس ۳ اکیپ پزشکی در دمنطقه محروم (۲ اکیپ در «بازفت» و یک اکیپ در «بارز») نموده است، همچنین ۲ اکیپ دندانپزشکی ثابت در منطقه «اردل» و شهرستان «لردگان» دایر نموده در هر اکیپ پزشکی بطور دائم یک پزشک، یک پزشکیار و یک بهیار وجود دارد و اکیپها در تمام مدت سال دایر می‌باشند، حتی در زمستان که راههای ارتباطی بسته می‌شود و تمام ادارات و ارگانهای انقلابی کارهای خود را در منطقه تعطیل می‌کنند نیروهای جهاد از جمله این اکیپهای پزشکی با استفاده از هلی کوپتر از لحاظ امکانات دارویی و پرسنلی تامین می‌گردند و کارشان تعطیل نمی‌شود. در رابطه با

کارهای کمیته پزشکی آمار مختصری را به عنوان قدردانی از این برادران ذکر می‌کنیم: (لازم به تذکر است که این آمارها تا دیماه سال ۶۱ می‌باشند) درمان رایگان ۶۹۷۳۴ نفر، تزریقات، پانسمان و

واکسیناسیون ۷۳۵۷۷۶ نفر، توزیع داروی رایگان بین ۱۳۱۰۰۳ نفر، بستری و معرفی بیمار به بیمارستان ۱۷۷۸ نفر، تشکیل درمانگاه ثابت ۱۶ مورد، اعزام گروه پزشکی ۵۶ مورد، تشکیل داروخانه ثابت ۱۷ مورد، آموزش بهداشت و کمکهای اولیه به ۷۷۲ نفر.

همچنین واحد دامپزشکی این کمیته در جهت بهداشت دام و جلوگیری از مرگ و میر دامهای عشایر اقدامات مؤثری داشته به عنوان مثال چندین اکیپ سیار دامپزشکی تشکیل شده که روستاهای مختلف استان را زیر پوشش دارد. و بر بیماریهای دامها نظارت کامل می کند، خلاصه ای از فعالیتهای این واحد نیز تا دیماه ۶۱ به شرح زیر است: واکسیناسیون دام بیش از ۱/۵۳۳/۰۰۳ راس، توزیع داروهای دامی ۶۴،۴۹۷،۸۸۰ ریال، درمان دام ۳۲۸۰ راس پرورش مرغ گوشتی ۱/۸۰۰/۰۰۰ قطعه، پرورش دام سبک ۴۰۰۰ راس.

کمیته فرهنگی

ضرورت کار فرهنگی در منطقه رهیجکس یوسیده نیست بخصوص با شرایط جغرافیایی خاص منطقه و عدم دسترسی مردم روستاها و عشایر به مراکز شهری و فرهنگی، این استان از نظر آگاهیهای سیاسی، فرهنگی بکر و دست نخورده باقی مانده. کمیته فرهنگی جهاد سازندگی با آگاهی از این مسئله فعالیتهای خود را آغاز کرد، در ابتدا هنگام با دیگر برادران در کمیته های عمران و بهداشت برادران این قسمت نیز به روستاها رفته و با نمایش فیلم و اسلاید برای روستائیان ضمن جذب آنها زمینه های مختلف را نیز برای کار فرهنگی آماده می کردند، کم کم این کمیته خود بطور مستقل وارد عمل شد. واحد سمعی و بصری آن به عنوان فعالترین قسمت در نقاط مختلف استان مستقر گردید، تا با نمایش فیلمهای مختلف به جلب روستائیان پرداخته و سپس با ایجاد سخنرانیهای آموزنده، اسلام و انقلاب را در ذهن روستائیان جا بیاندازند. در مرحله بعدی این کمیته با تشکیل کلاسهای مختلف به آموزش روستائیان پرداخت.

در اینجا لازم است برای آشنایی با وسعت فعالیت این کمیته به قسمتی از آمار فعالیتهای آن تا دی ماه سال ۶۱ پردازیم:

تشکیل کلاسهای مختلف عقیدتی ۵۷۹۱- جلسه، تشکیل کلاسهای سوادآموزی و اسلحه ۸۶۰ جلسه، تشکیل کتابخانه های ثابت و سیار ۳۸۱ مورد

تشکیل نمایشگاه ۲۵۴ مورد - توزیع کتاب و مجله ۲۷۶۶۵۶ جلد، تهیه و چاپ کتاب ۱۰۰۰ جلد، توزیع توار ۱۳۳۸۶ حلقه، نمایش فیلم و سخنرانی ۳۷۲۰ مورد، تهیه و توزیع پوسته های مختلف ۵۵۱۸۴۷ عدد و با وجود چنین فعالیتهای وسیعی به علت فقر بیش از حد فرهنگی در منطقه این فعالیتهای جلوه ای نداشته و چشمگیر نبوده اند، برای پیشرفت در کار فرهنگی احتیاج به طرحهای برنامه ریزی شده و دراز مدت می باشد.

فعالتهای ستاد پشتیبانی جنگ

با وجود تمام مسائل و مشکلاتی که در زمینه

*** در پی احوادث راهها، حدود ۲۰۰ پل بزرگ از ۵ متر تا ۳۶ متر بر روی رودخانه های متعدد مسیر زده شده که پل ها اهمیت زیادی در عبور دام های کوچ نشینان از منطقه داشته و از مرگ و میر بسیاری کاسته است.**

فعالتهای مختلف جهاد در استان وجود دارد جهاد این استان پشتیبانی جبهه های جنگ مریوان را نیز به عهده گرفته. در این رابطه صحبت هایی داشتیم با برادر «روح الامین» عضو شورای مرکزی جهاد استان که از نظراتان می گذرد.

وی ابتدا درباره علل به عهده گرفتن این مسئولیت گفت:

«در سال ۶۰ از طرف دفتر مرکزی به ما پیشنهاد پشتیبانی جنگ مریوان را دادند و ما نیز آنرا قبول کردیم زیرا وضعیت جغرافیایی مریوان با استان ما شباهت زیادی داشت، و اکثر نیازهای مریوان راهسازی بود که ما در این رابطه از استانهای دیگر تجربه بیشتری داریم و حتی می توان گفت که بهترین اکیپهای راهسازی در سطح کل جهاد در استان ما می باشند، زیرا ما از همان ابتدا اولویت کارمان را به راهسازی داده و در این زمینه تجربیات زیادی داشتیم، در مریوان نیز بیشترین تلفات بدلیل نبودن راه داده می شد».

برادر روح الامین افزود:

«بچه های ما بلافاصله بعد از استقرار در منطقه شروع به نقشه کشی و طرح ریزی نموده و کار خود را از همان ابتدا آغاز کردند، نتیجه این فعالیت شبانه روزی آن شد که ما بیش از ۴۰۰ کیلومتر راه ساختم که تماماً از راههای روستایی درجه یک بوده و عموماً در مناطق صعب العبور سنگی ساخته شدند، منتهی مشکلی که ما در آنجا داشتیم مسئله راهداری بود که مادر استان چهارمحال به علت نداشتن نیرو و امکانات و همچنین وسیع بودن منطقه اینکار را انجام نمی دهیم و در فصل زمستان کلیه راهها بسته می شود. ولی در مریوان وضع این چنین نبود و در فصل زمستان تمام راهها می باستی برف روی می شد تارزمنندگان مایبوتاند براحتی از مناطق عبور کرده و تدارکات دریافت نمایند. و این کار آسانی نبود چون برای این منظور باید تمام بولدوزرها در سه ماه زمستان کار کرده و اگر لحظه ای خاموش می شدند دیگر نمی شد آنها را روشن کرد، حال شما حساب کنید برای سوخت رسانی به آنها ما با چه مشکلاتی روبرو بودیم، چون جاده های منطقه دارای تأمین روزانه می بودند و شهارفت و آمد غیرممکن بود، از طرفی ضد انقلابیون چندین تانکر سوخت رسانی ما را منفجر کرده بودند و حتی در بعضی نقاط برادران ما مجبور شده بودند برای سوخت رسانی بولدوزرهای ما که جمعاً ۲۲ عدد بود، بشکه های ۲۰ لیتری را روی دوش خود حمل کنند. و باین مشکلات برادران ما نتوانسته بودند کار خود را بخوبی انجام داده و حتی در بعضی نقاط تا ۱۵ متر برف روی کرده بودند، تاجانیکه فرماندهان نظامی کار آنها را در حد اعجاز به شمار آورده بودند».

و حال در پایان با وجود مشکلات متعددی که برادران جهادگر در جهت خدمت به محرومین منطقه در سر راه خود دارند، امیدواریم که با برنامه ریزیهای دقیق و منظم باین معضلات برخورد کرده و با آموزش نیروهای بومی و محلی خلاء نیروی انسانی متخصص دیگر استانها را پر کرده و با ایجاد تعاونیهای مردمی خصوصاً در مناطق عشایری و بالابردن سطح درآمد روستائیان واحداث باغداریهای مختلف و... با پدیده سوم مهاجرت (که اکثراً به کشورهای عربی صورت میگیرد) جدی تر و عملی تر برخورد شود، تا انشاءالله زمینه های خدمت هرچه بیشتر به این قشر از محرومین که به فرمایش امام «ذخیره انقلابند» آماده تر گردد.

انشاءالله